

عمیاتی

نشریه

شماره چهارم
بهمن ماه

مرضیه احمدی اسکویی: اینک پیوسته ام به امواج بی پایان
هستی مان تلاش و نیستی مان آسودن است.

Osyan.osyan@gmail.com

Osyan-zan.blogspot.com

[facebook:osyan zan](https://www.facebook.com/osyanzan)



اما از آنجا که ادعا های دروغین او بر همگان آشکار شده است در جای دیگر می گوید :

"ما می توانیم به نقطه ای برسیم که با یک چهارم مصرف به همین رفاه دست یابیم "

سؤال اول این است که آیا مردم در رفاه به سر می برند که بخواهند دست کم در همین حد از رفاه باقی بمانند؟ آمار روز افزون بیکاری، اعتیاد، فحشا، زنان و کودکان خیابانی مربوط به کشور ایران نیست؟

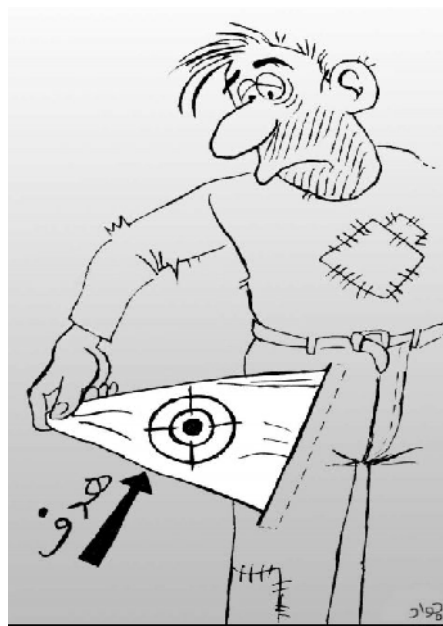
! برخلاف ادعاهای دروغین جمهوری اسلامی، مهمترین پیامدهای این قبیل طرح ها، ورشکستگی بنگاه های تولیدی، بیکارسازی های گسترده و نابودی کشاورزی است. به دنبال آن، اولین اتفاقی که در شهرها رخ می دهد، تعدیل نیروهای کار خواهد بود که اولین قربانیان آن زنان می باشند. در روستا ها نیز پس از بیکاری دهقانان فقیر، مهاجرت از روستا به شهر ها در جستجوی کار (کارهای غیر رسمی) افزایش یافته و در اکثر موارد خانوارهای روستایی، به دست فروشی در گوشه و کنار خیابان مشغول می شوند.

اما طرح هدفمندی یارانه ها بیشترین زیان را برای زنان خواهد داشت. زنان چه شاغل باشند چه بیکار، در هر صورت بار اصلی خانواری که هزینه هایش چندین برابر می گردد را بر دوش می کشند. زنان سالهاست که بر اساس سنت خانوادگی، مدیریت خانوار را به عهده گرفته اند. همیشه شاهد بوده ایم که زنان در میان اقتشار فقیر مجبور بوده اند برای تأمین نیاز های خانواده لباس بدوزند، یا با انجام کارهای دستی مثل بافندگی و گلدوزی در تأمین هزینه ها کمک نمایند.

اغلب موارد هم سرپرست خانواده بوده اند و هم مدیر (البته مدیر بدون قدرت و بدون دستمزد که تنها در نام مدیر است و مدیر است چون باید شرایط سخت معیشت را نظم دهد وگرنه در اصل یک مطیع به تمام معنا باید باشد و این مدیریت هم، تحمیلیست و جزء همان تبعیت هاست) و، در این شرایط در آن واحد هم شاغل بوده اند و هم خانه دار اما تنها به عنوان کدبانو رد تحسین قرار گرفته اند چون درجه نمونه بودن هر زنی در هنرمند بودن او در رتق و فتق امور خانواده و هماهنگی نیازهای خانواده بر اساس در آمدی که همیشه در اختیار شوهر است سنجیده می شود.

امروز نیز با اجرایی شدن طرح هدفمندی کردن یارانه ها، فشار عمده بر زنان خواهد بود و آنان هستند که بایستی درآمد اندک خانواده را به نیازهای موجود اختصاص دهند. در این میان کوچکترین اشتباهی، انگشت اتهام را نه بر دولت جمهوری اسلامی که بر زن، نشانه می رود.

این روزها با زنی برخورد کردم که می گفت با این پولی که احمدی نژاد داده می خواهم برای جین بخرم، دیگری می گفت می خواهم با این پول تلویزیون بخرم. تمام این افراد لوازم مورد نیاز برای حداقل زندگی را ندارند و نمی دانند که با اجرایی شدن



هدفمند کردن یارانه ها؟

نان و هدفمندی سازی یارانه ها

روشنک مینو

طرح تعدیل ساختاری سالهاست به دستور سازمان های بین المللی و در رأس آنها صندوق بین المللی پول به کشورهای تحت سلطه دیکته می شود و هدف اصلی آن نجات نظام سرمایه داری از ورطه بحران های مالی است که هر چند سال یکبار اقتصاد جهان را در بر می گیرد.

داستان این طرح، برای ایران از زمان دولت رفسنجانی با عنوان "سازندگی"، در دولت خاتمی با "سامان دهی اقتصادی" آغاز گردیده و اکنون به "طرح تحول اقتصادی" به اجرا در آمده است.

نکته قابل توجه این است که ادعاهای احمدی نژاد در زمینه طرح هدفمندی کردن یارانه ها و نتایج حاصل از آن، با واقعیت های تاریخی و آنچه در جهان به وقوع پیوسته است مغایرت دارد.

طرح تحول اقتصادی در کشورهایی چون شیلی، ترکیه، تونس، مکزیک، کره جنوبی، برزیل، و هند... به اجرا درآمده است و نتایج حاصل از اجرای آن شباهت های زیادی در تمام این کشورها داشته است. مثلاً وقتی در دهه میلادی دولت هند در راستای اجرای همین طرح ها پرداخت یارانه به بخش کشاورزی را حذف کرد، نتیجه اش خانه خرابی میلیون ها دهقان بود که به پدیده وحشتناک "خودکشی دسته ی" دهقانان منجر شد. احمدی نژاد نیز با آگاهی از این مسائل در مصاحبه تلویزیونی که در شب قبل از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، اعلام کرد:

" کاری که دیگران در اجرای آن بخشی از مردم خود را از دست دادند و فقر در جامعه آنان افزوده شد ... "

دولت در بازار کاری که از مناسبات سرمایه داری و آزادی کامل عملکرد اقتصادی پیروی می نماید مثل همیشه جز برای فریب توده ها هیچ نتیجه ای نخواهد . از سویی دیگر قطعا فحشا و تن فروشی نیز

افزایش خواهد یافت. وقتی که برای بر آ نیازهای اولیه ات درمانده باشی به هر چیزی تن می دهی و حتی می تواند قشر وسیعتری از زنان را در بر بگیرد. چه آنهایی که سرپرست خانوار هستند و چه آنهایی که خانه دار هستند اما در آمد مرد خانواده کفاف زندگی را نمی دهد.

در کنار نتایج فوق ما در طولانی مدت شاهد خواهیم بود که به دنبال کاهش هزینه های اجتماعی دولت، بخش بهداشت و درمان نیز گران تر شده و زنان قربانیان اول در این مورد خواهند بود. وضعیتی که تشریح گردیدنه تنها رفاه نبوده بلکه با صرفه جویی اجباری و چند برابر شدن قیمتها، جامعه را به فلاکت بیشتری سوق خواهد داد.

موضوعی دیگر که با فقیر شدن بیشتر مردم و تحت فشار قرار گرفتن آنها از زاویه اقتصادی شاهد آن هستیم تبلیغ و ترویج هر چه بیشتر مذهب است. همانطور که احمدی نژاد در شب قبل از اجرای طرح اشاره ای کرد که "ما پیرو علی و فاطمه هستیم، ما حسین بن علی را داریم،

کسانی که

سحری روزه می گرفتند و بعد تازه افطاری شان را هم به افراد فقیر می دادند. ما پیروان آنها هستیم. باید از آنها بیاموزیم."

خیلی روشن است که با دین و مذهب می خواهند مردم مجاب شوند که ریاضت کشیدن و سختی کشیدن اشکالی ندارد و "امتحان الهی"

امامان همینطور بودند. در این میان زنان قطعا بیشتر تحت فشار خواهند بود. چون همیشه آنها هستند که قربانی و فداکار باید باشند. چون دین و مذهب همیشه برای زنان دست و پا گیر تر بوده است. بهتر است که ساده تر لباس بپوشند، چون دین گفته زنان ساده باشند و حالا چه بهتر دخل و خرج هم جواب نمیدهد، توفیق اجباری حاصل شده است. کتاب نخوانند. کتاب خریدن هزینه اضافه است. قرآن بخوانند و دعا کنند و عبادت تا همه چیز درست شود. باید بیشتر حواسشان به خانه و خانواده و اقتصاد باشد تا اینکه در اجتماع ظاهر شوند. چون وظیفه اول زنان همسر و مادر بودن است.

ادامه در صفحه

طرح، هزینه های عادی زندگی شان که تا به حال موازنه دخل و خرجشان را به هم ریخته بود، چند برابر می شود و این پول حتی کفاف اختلاف هزینه های امروز و درآمد دیروزشان را نمی دهد. تبلیغات تلویزیونی هم درباره فروش طلا و لوازم خانه به صورت قسطی هم که قوز بالا قوز شده.

و متأسفانه برخی از این افراد تصور می کنند که دولتی حامی اقشار ضعیف جامعه اداره امور را به دست فته است. مثل آن فردی که می گوید این دولت اولین دولتی است که به مردم پول داده است. اما این تصور باطل مدت زیادی دوام نمی آورد و به زودی پیامدهای ناشی از اجرای آن اقشار ضعیف جامعه را بیش از پیش متضرر خواهد نمود. آدم یاد این ضرب المثل می افتد که "پول روی پول می آید و باد زیر پیراهن پاره

پیامدهایی چون بیکاری روز افزون و هرچه پایین تر آمدن قدرت خرید مردم، از جمله نتایج کوتاه مدت این . تعدیل ساختاری، در بلندمدت، اثرات

جبران ناپذیری بر موقعیت زنان اقشار ضعیف جامعه بر جای می گذارد. خصوصی شدن و گرانتر شدن بخش آموزش و پرورش باعث می گردد خانواده های فقیر مانع از تحصیل فرزندان دختر شده و سن ازدواج

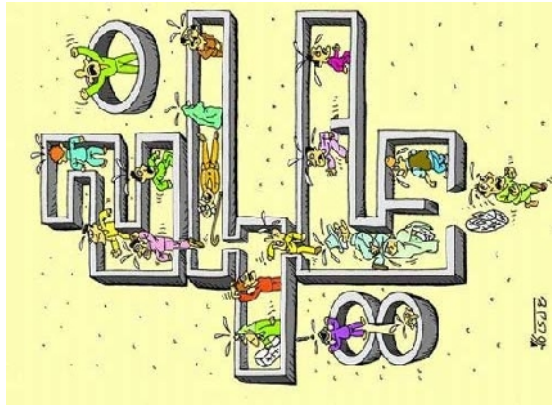
در میان دختران این قشر از جامعه، به منظور تعدیل هزینه های خانوار پائین بیاید. این قبیل پیامدها در هرچه پر رنگ تر نمودن ستم بر زنان تأثیر فراوان خواهد داشت.

از سوی دیگر فشارهای هزینه ای بر خانواده، زنان را به تن دادن به کارهای سخت با حداقل دستمزد سوق خواهد داد. برای مثال ما شاهد پرستار شبانه روزی برای هزار تومان،

مثنی مدیر عامل با - ساعت کار برای

هزار تومان و ... هستیم که این روند در آینده

اسف بار تر خواهد شد. همواره افزایش عرضه یک کالا، قیمت آن کالا را کاهش می دهد. این قانون نظام سرمایه داری با توجه به آنکه نیروی کار نوعی کالا به حساب آمده و توسط افراد در قبایل دستمزد به فروش می رسد، بدین شکل عمل می کند که با بیکاری روز افزون در ادامه طرح تعدیل ساختاری و عرضه بیشتر نیروی کار، قیمت آن یعنی دستمزد کاهش می یابد و زنان که در اولویت های استخدامی در درجات دوم می باشند مجبور خواهند بود برای تأمین معیشت خود به پایین ترین سطح اشتغال با حداقل دستمزد تن دهند و این نمونه حقیقی فوق استعمار خواهد بود و ادعاهای دروغینی چون قانون کار و تعیین حداقل دستمزد توسط



در میان دختران این قشر از جامعه، به منظور تعدیل هزینه های خانوار پائین بیاید. این قبیل پیامدها در هرچه پر رنگ تر نمودن ستم بر زنان تأثیر فراوان خواهد داشت.

از سوی دیگر فشارهای هزینه ای بر خانواده، زنان را به تن دادن به کارهای سخت با حداقل دستمزد سوق خواهد داد. برای مثال ما شاهد پرستار شبانه روزی برای هزار تومان، مثنی مدیر عامل با - ساعت کار برای هزار تومان و ... هستیم که این روند در آینده اسف بار تر خواهد شد. همواره افزایش عرضه یک کالا، قیمت آن کالا را کاهش می دهد. این قانون نظام سرمایه داری با توجه به آنکه نیروی کار نوعی کالا به حساب آمده و توسط افراد در قبایل دستمزد به فروش می رسد، بدین شکل عمل می کند که با بیکاری روز افزون در ادامه طرح تعدیل ساختاری و عرضه بیشتر نیروی کار، قیمت آن یعنی دستمزد کاهش می یابد و زنان که در اولویت های استخدامی در درجات دوم می باشند مجبور خواهند بود برای تأمین معیشت خود به پایین ترین سطح اشتغال با حداقل دستمزد تن دهند و این نمونه حقیقی فوق استعمار خواهد بود و ادعاهای دروغینی چون قانون کار و تعیین حداقل دستمزد توسط

عصیان تصمیم دارد در شماره های مختلف نشریه به معرفی زنان شایسته ای بپردازد که درسایه مردان و جوامع مرد سالار ماندند و هرگز شناخته نشدند. در این زمینه، یاری همراهان و خوانندگان عصیان را پذیرا هستیم



بخش هایی از نوشته "رنج تحمل ناپذیر سوفیا" برگرفته از نوشته های اسد سیف

سایه تولستوی آنچنان عظیم بود که همان چند اثر همسرش، سوفیا، نیز نادیده گرفته شد، امری که تا همین چند سال پیش ادامه داشت. "یک

" پس از یک قرن، در

"ترانه‌ی بدون واژه" که در سال به پایان رسیده بود، امسال منتشر شد. خاطرات او هنوز هم به شکل کامل خویش انتشار نیافته است.

صد سال از مرگ لئو تولستوی گذشت.

دفتر روزگار نویسنده‌ای بسته شد که وی را از ترین نویسندگان جهان و نابغه‌ی قرن می دانند. آثار او را هنوز میلیون‌ها نفر در جهان می خوانند و لذت می برند.

در روسیه قرن نوزدهم نویسنده وجدان بیدار مردم بود، کسی که برای عدالت اجتماعی نیز مبارزه می کرد. تولستوی در تمام لحظات زندگی کوشید تا این بار را ش بگذرد. در این راه بود که سرانجام همه هستی خویش بین دهقانان تقسیم کرد. ها او را به حق وجدان روسیه می دانند.

بر ضد خرافات کلیسا قد علم کرد، به نقد آن برخاست. به صراحت اعلام داشت که آموزه‌های کلیسا خرافات و دروغ هستند. او این مذهب را که بزرگترین حامی "رستاخیز"، کلیسا او را مرتد اعلام داشت.

های کریمه شرکت کرد. از تجربه

این جنگ رمان "ها" سالگی با سوفیا آندریوا آشنا شد که آن زمان هیجده سال داشت و نویسنده‌ای بود. این آشنایی به ازدواج انجامید. آن دو پنجاه سال با هم زندگی کردند.

سوفیا با رفتن به خانه تولستوی از نوشتن بازایستاد، دفتر خاطرات گذشته سوزاند تا به شکوفایی نبوغ نویسنده‌ای کمک کند که دنیایی دگر جست‌وجو می کرد. تولستوی اما دفتر خاطرات خویش در اختیار سوفیا دانست که او پیش از ازدواج با وی، با زنان بی‌شماری در رابطه بوده است، چیزی که تا پایان عمر فراموش نکرد.

سوفیا شانزدهبار حامله شد، سه فرزندش مرده به دنیا آمدند. از سیزده فرزند تنها هشت نفرشان زنده . تولستوی با هر گونه پیشگیری از بارداری . گذشته از کار تربیت و رسیدگی به بچه‌ها، سوفیا مسئولیت بازنویسی دستنوشته‌های شوهر پذیرفت. تولستوی بسیار بدخط و ناخوانا می نوشت، سان که جز سوفیا کمتر کسی از آنها سر در می آورد. هایی از " را که صفحه منتشر شد، هفت بار بازنویسی کرد. همین روند در "آناکارنینا" که در سال منتشر شد نیز تکرار شد. های بازنویسی این اثر سه فرزندش مردند و خود به سختی بیمار شد. برخی از فصل‌های این کتاب بازنویسی شده .

سوفیا هر شب، پس از آنکه بچه‌ها می خوابیدند، کار بازنویسی را آغاز می کرد که در بعضی از شب‌ها تا ساعت سه صبح ادامه داشت. چنان به کار فرزندان و شوهر مشغول شد که خود از یاد برد و دیگر چیزی . همه زندگی به راه شکوفایی نبوغ و زندگی شوهر و فرزندان به کار گرفت. نوشتن و نوشتن به کنار نهاد تا تولستوی بنویسد و ببالد.

عقاید تولستوی را می توان در آثارش پی گرفت. آرمانی او "لوین"، قهرمان "آناکارنینا" . چه از زبان لوین جاری می شود، در واقع سخن و آرزوی نویسنده است. کاتیا، همسر لوین، نیز زن ایده نویسنده باید باشد. رابطه تولستوی با زنان، پیش از ازدواج را نیز می توان به شکلی در همین رمان مشاهده نمود. این بخش انگار حاصل تجربه‌های خود

"سونات کرویتسر" ()

ازدواج می نویسد، از خوشبختی و ناامیدی در آن. به مشکلات فکری و جنسی بین زن و شوهر می پردازد، از همسری می نویسد که پس از پنج زایمان، به علت سلامت جسمی نباید بچه‌دار شود، به همین علت از همخوابگی با شوهر سرباز می زند. به ذوق شخصی خویش، نواختن پیانو روی می آورد. شوهر به این

بعد در میان هزاران نفر از "تولستوی‌ها" (تولستوی) که با شنیدن خبر به محل آمده بودند، بر اثر برونشیت می میرد.

دنیای مردسالار پس از مرگ تولستوی، علت فرار او را از خانه به رفتار همسرش با او قلمداد می کند. بی که بخواهند از واقعیت‌ها چیزی بیابند و یا ببینند، جدا های پسین زندگی و

یا تنش‌های معمولی بین آن دو را با بوق و کرنا در روزنامه‌ها علم می کنند تا این فکر را به خوانندگان و دوستان او القاء کنند که علت واقعی مرگ پیرمرد، سوفیا بوده است. بد علت این امر که چاپ کامل خاطرات او هیچ‌گاه امکان نیافت این باشد که دولت شوروی نیز دوست نداشت تا بر زندگی این شخصیت الگو، سایه‌ای افکنده شود.

زندگی سوفیا یادآور این سخن ویرجینیا وُلف است در کتاب "اتاقی از آن خود" که در آن طنز گزنده خویش به کار می گیرد، م "خواهر شکسپیر" می کند که بعدها مثالی می شود نمونه در ادبیات فمینیستی؛ اگر شکسپیر خواهری با نبوغ فوق‌العاده به نام مثلاً یودیت داشت، غیرممکن بود هم چنین نمایشنامه‌هایی بنویسد. گاه که شکسپیر امکان حضور در لندن و تماشاخانه‌های آن را یافت، خواهرش مجبور بود، جوراب‌های او را وصله بپینه کند و یا در آشپزخانه مراقب باشد تا غذا نسوزد. از وظیفه خویش سرپیچی می کرد، کتک جانانه پدر . اگر هم شهامت به خرج می داد، به نتایج نزدیک می شد، از مدیر آن آستن می شد و نتیجه آن‌که، در شبی زمستانی به زندگی خویش پایان می داد.

جهان طی قرن گذشته به حق، به تولستوی افتخار کرده است، میلیون‌ها نفر آثار او خوانده و می خوانند. ها فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی با اقتباس از آثارش ساخته شدند. در صدمین سالمرگ او ترجمه‌های ای از آثارش به چاپ رسید، هزاران مجلس گرامیداشت برگزار شد. مامی نشریات مترقی در جهان به تمجید از او و آثارش نوشتند. در این میان اما کسی از رنجی که سوفیا متحمل شد، چیزی ننوشت.

همراهان عصیان، شماره بعدی عصیان ویژه مارس روز جهانی زن می باشد.

کاریکاتور، معرفی و نقد کتاب ما را یاری کنید.

هیئت تحریریه عصیان

حالت زن مشکوک می شود، فکر می کند عشقی تازه در میان است. این رمان، روایت مردی عقده‌ای حسادت و شک در آن با فاجعه و مرگ پایان می یابد.

در این رمان هرچند تولستوی کوشید تا قهرمان زن رمان هیچ شباهتی به همسرش نداشته باشد، اما می توان سوفیا را در آن باز .

چاپ این رمان در شده در آن زندگی خصوصی نویسنده قلمداد شوند و این

موضوع را مشکل نویسنده با همسرش بدانند. دامنه شایعات آن‌سان گسترده بود که سوفیا رمان "کدام اشتباه؟ داستان یک زن" ("پاسخ به یک گناه" نیز ترجمه شده) ر آن بنویسد. این رمان صد سال امکان چاپ نیافت.

در رمان سوفیا، دختری هیجده ساله با مرد فنودال سالمندی ازدواج می کند. پس از تولد نخستین فرزند، متوجه می شود که شوهر بیشتر به کارهای شخصی خویش مشغول است و توجه‌ای به او و فرزند ندارد. این رفتار شوکه می شود. ن به موسیقی علاقه دارد، می نوازد، چیزی که شوهر نمی بیند و به آن توجه . در این میان زن با مرد جوانی در کنار ملک شوهر آشنا می شود، میان خود و آن مرد جوان، علاقه‌های مشترک می یابد. آن دو باهم به گردش می روند، کتاب می خوانند و نقاشی می کنند. این رفتار، سادت و تخم شک در شوهر نسبت به همسر جوان می پاشاند. مرد جوان روزی اعلام می دارد که عازم زن به قصد بدرود، نزد او می شتابد. بازگشت به خانه، خشم شوهر با کتک بر سرش خالی می شود.

به رسمیت نشناختن زن از سوی شوهر در این رمان، همان چیزی بود که سوفیا در زندگی خویش با تولستوی، از آن رنج می برد. سوفیا در این اثر، نخستین زن نویسنده روس است که از رنج زن در جامعه مردسالار می نویسد، تابوی سکس را می شکند و از آن سخن می گوید.

(تولستوی) در پاییز سالگی نامه‌ای به رسم خداحافظی به همسرش نوشت، همه زندگی خویش به رعیت‌ها و خانواده بخشید، در تاریک

مخفیانه از خانه بیرون زد تا آخرین سفر خویش آغاز کند. می خواست آن‌سان زندگی کند که در داستان‌هایش آفریده بود. به مقصدی نامعلوم، در هوایی سرد، سوار قطاری درجه سه شد، پس از طی مسافتی به تب دچار . در آخرین ایستگاه، در روستای دورافتاده‌ای به نام آستاپوا، یکی از کارکنان قطار او را به ساختمانی کنار ایستگاه منتقل می کند. همسر و فرزندان با اطلاع از حادثه خود را به آنجا می رسانند. تولستوی در میان تب شدیدی که هفت روز ادامه داشت، تنها در آخرین لحظات حیات، سوفیا را به حضور می پذیرد. دقایقی

در ایران و جهان اطلاع نداشتند بعد از اینکه درباره اش توضیح دادیم به این ترتیب نظرشون را اعلام

این قانون خیلی بده اما با این وجود من کارم را رها

– کارفرماها فکر می کنند بازدهی مردها بیشتره برای همین این قانون رو گذاشتن

– کسانی که این قانون را گذاشتن مرد هستند برای همین اینجوریه

نظرشون رو درباره بومی گزینی دانشگاهها پرسیدیم. دو تا از بچه ها که تهرانی بودند می گفتند بومی گزینی خوبه چونکه وضعیت خوابگاه ها اصلاً خوب نیست. مناسب نداره، آدم توی خونه خودش . از طرف دیگه باعث می شه که سطح

دانشگاههای شهرستانها بالا بره چون بچه های باهوش توی شهر خودشون می موندن. نفر سوم که خودش شهرستانی بود، با سهمیه بندی مخالف بود می گفت: "کسی حق نداره دخالت کنه که من کجا زندگی کنم. این اقدام باعث کم شدن انگیزه برای درس خوندن می شه چون اون کسی که رتبه خیلی خوبی آورده مجبوره با کسی که رتبه اش بد است یک جا درس بخونه و دلیل اصلی این کار محدود کردن دخترهاست، امکان استقلال از اونها سلب می شه اما من می خوام آزادی و امکانات بیشتری داشته باشم."

باره سهمیه بندی جنسی نظرشون را پرسیدیم. بچه ها به خوبی جزئیات این قانون را نمی دونستن و فکر می کردن که دلیل این قانون می تونه این باشه که مانع بی سواد و بی کاری پسر ها بشه چون قبل از آن دختر ها درصد بالایی پذیرش دانشگاه را داشتند.

: آیا تا به حال بین خودتون و پسرها تبعیض را احساس کردید؟

بچه ها تبعیض را حس کرده بودند. حجاب یکی از مهمترین تبعیضهای میان دخترها و پسرها است. از اون سیگار کشیدن، و ر

نظرشون را در مورد حجاب پرسیدیم. هر سه حجاب را غیر ضروری می دونستند و از نظر عقیدتی هم . اما در جواب به دلایل اجباری بودن

حجاب، یکی می گفت که همیشه گفتن حجاب مانع از تحریک شدن مردها می شه اما به نظر من تحریک شدن مردها به ظرفیت جامعه ربط داره نه حجاب زنها.

بعدي نظرش این بود که حجاب الزاماً به دین ربط نداره، حجاب یعنی نوع پوشش، نفر سوم :

زوري بعدش حد و مرز زوري و در نهایت اینکه حرف من مهم نیست" (منظور ابزار سلطه بود)

سوال بعدي درباره رابطه دختر و پسر بود و پرسیدیم نظرشون درباره رابطه جنسی پیش از ازدواج چیه؟

و آیا خودتون این رابطه را تجربه کردین ؟ هر سه در زمینه داشتن این تجربه ج

اما یکی می گفت از نظر اخلاقی با این رابطه مشکلی



روشنک مینو- سایه صفا

من به همراه یکی دیگر از رفقا رفتیم دانشگاه تهران. بعد از ورود به دانشگاه و سر زدن به فضاهای مختلف دانشگاه در محوطه ی دانشکده هنرهای زیبا، دو دانشجوی دختر را دیدیم که برخلاف بقیه ی گروهها مشغول درس خواندن نبودند و پیشنهاد ما را قبول کردند بعد از چند دقیقه دوستشون هم به آنها اضافه شد. سوالاتمون را از یک سری سوالات عادی تر شروع کردیم.

اولین سوال در خصوص برنامه آنها پس از اتمام دوره تحصیلی شان بود یعنی اینکه آیا قصد دارید پس از اتمام تحصیلات، اشتغال داشته باشید ؟

دو نفر از آنها جوابشون مثبت بود ولی یک نفر می گفت اولویت من کارکردن نیست. تحصیل می کنم که تحصیل کرده باشم. پرسیدیم اگر بعد از ازدوا شوهرتون یا اصلاً یکی از اعضا خانواده یا اطرافیانتون مانع از اشتغال شما شود چه می کنید؟

یکی شون می گفت کارم را رها می کنم به خاطر زندگیم مثلاً باید برای بچه هایم وقت بذارم.

می گفت بستگی داره که چه شرایطی باشه باید ببینم که به خاطر چی ازم می خوان که کار نکنم. اگر به خاطر بچه هام باشه این کار را می کنم چون وظیفه شوهرمه که خانواده را از نظر مالی تأمین کنه اما اگر به خاطر تعصبات و این جور چیزها باشه من اصلاً با یه چنین بهشون گفتیم در بسیاری موارد

بهانه هایی مثل تربیت بچه ها مطرح می شه تا استقلال زنان و امکان آنها در تأمین اقتصادی خودشون سلب بشه. ولی بچه ها به بحث دامن نمی زدن و در برابر حرفهای ما در بیشتر موارد موافقت می نمودند.

کردیم بحث را از حالت شخصی به مسائل اجتماعی سوق بدیم.

. بچه ها اصلاً از وجود چنین قانونی



یکی دیگه از یه بعد دیگه نظر داد. می گفت دلایلش عدم همیشه خودمون را وابسته به مردها

می دونیم.

بحث را بردیم به سمت روابط پیش از ازدواج. تقریباً همگی با این رابطه موافق بودن. دلایل موافقت را چیزهایی از این قبیل عنوان می کردند که:

روابط اینچنینی استقلال بیشتر است (

بحث مالکیت مرد بر زن بود.)

یکی دیگه که موافق بود می گفت وقتی ازدواج کنم مجبورم با رابطه جنسی تحمیلی بسازم و در نهایت یک زندگی ناموفق داشته باشم.

یکی از بچه ها با این رابطه مخالف بود دلایلش این بود که ممکنه ولم کنه و علاوه بر اون نگاه خانواده و جامعه دلیل اصلی تر بود. بیشترشون از این رابطه به خاطر اینکه یک پسر ممکنه بعد از رابطه و از بین رفتن بکارت، ترکشون کنه ممانعت می کردند و دلیل عمده، رسمی نبودن رابطه می باشد، به همین دلیل حاضر نبودند این رابطه را داشته باشند.

یکی از بچه ها در برابر این نظر می گفت که آدم باید برای روابط خود انسانهایی را که شبیه خودش هستند انتخاب کنه و دیگری معتقد بود که این تفکر از جانب خانواده ها تزریق می شه که پسر و دختری که دوست هستند با هم ازدواج نمی کنند.

دو تا از بچه ها از پدر و مادرشون می گفتند که خود اونها در آزادی کامل بودند با هم دوست بودند بعد ازدواج کردند ولی مانع بچه ها می شن و به اونها می گن که ما شانس آوردیم ولی شما این شانس را نمی آورید.

درباره ی رابطه پارتنر پرسیدیم همه قبول داشتن ولی به خاطر فضای جامعه ی امروز ایران، امکان ناپذیر

یکی از بچه ها بحث جالبی رو که ما در سوالاتمون لحاظ نکرده بودیم به میان کشید. گفت که مبارزه با این شرایط (بیشتر منظور محدودیت خانواده بود)

می تونه تأثیر داشته باشه؟

نداره اما شرعاً ایراد داره، وقتی رابطه شرعی باشه ضربه اجتماعی کمتری داره. بحث را به سمت قضیه شرعی بردیم، پرسیدیم یعنی اگر صیغه بخونی این رابطه را برقرار می کنی، باز هم جوابش منفی بود و دلیل اصلی را بحث رسمی بودن و پذیرش خانواده

دو نفر دیگر هم دلایل خود را بحث اجتماع و عدم پذیرش این روابط از جانب جامعه ابراز نمودند.

بعد از این گروه سراغ گروه های دیگر رفتیم.

اینکه دختری در محوطه ی دانشگاه تنها باشد بسیار کم شکده ی فنی توجه مان به دختری

جلب شد که تنها بود و مشغول نوشتن. وقتی به او پیشنهاد دادیم که در رابطه با یک سری مسائل باهاش گفتگو کنیم خیلی استقبال کرد.

بعد از چند دقیقه یکی یکی دوستاش اومدن، روی هم نفر بودن، مثل دفعه قبلی از اشتغال شروع کردیم.

قاطعیت گفت که بعد از فارغ التحصیلی کار می کنم چونکه استقلال مالی داشته باشم و از لحاظ اجتماعی هم، فردیت من مهم باشه یعنی در کنار دیگران مهم. مثل خانم آقای دکتر یا دختر آقای مهندس.

در جواب به این سوال که اگر بعد از ازدواجت ازت بخوان که کار نکنی چه عکس العملی

گفت که اصلاً ازدواج نمی کنم.

بچه های دیگه در جواب به این سوال بحث متفاوتی را به راه انداختند، بحث "هدف از آمدن به دانشگاه"

یکی از اونها می گفت دخترها اکثراً پاییند این نیستند که کار کنند اکثراً دنبال شوهر می گردند. دانشگاه تبدیل به

من نمی خواستم که روی ذهنشون تأثیر بذارم، می خواستم بدون تأثیر ما افکارشون رو بگن وقتی بحث روی یه موضوع تموم می شد ما اظهار نظر می کردیم تا نسبت به مسئله حساس بشن.

من ازشون پرسیدم اگر هم این چیزی که می گید درست باشه فکر می کنید چرا دخترا باید چنین ک

یکی گفت آزادی عملی، حرفی و نگاهی دخترا کمتر از پسرهاست (

) دخترا حق انتخاب ندارند بلکه

باید انتخاب بشن. مجبورن برن دانشگاه، بعد از اینکه فرد مورد نظرشون را انتخاب کردن، مراسمهای اه بیندازند.

پسرها و آشنای باهاشون آسونتره.

یکی دیگه می گفت ارتباط داخل دانشگاه هم مشکل داره وقتی با یه پسر حرف بزنی، هم سن و سالان خود ما فکرهای بدی دارند. از تجربه خودش می گفت که بعد از حرف زدن با یک پسر، دخترهای دیگه با تمسخر بهش " "

!"

دانشگاه چونکه نمی داشتن بره شهرستان. گفت بومی گزینی درست نیست چون کسی که ادش را دارد در دانشگاه بهتر درس بخونه از این امکان محروم می شه. در زمینه ی علل این قانون می گفتن که وابستگی زیاد به خانواده می تونه دلیلش باشه وبعد از اون جنبه های فرهنگی یعنی اینکه کسی که از شهرستان می آید در اکثر موارد با فرهنگ موجود دچار مشکل می شه. یکی دیگه از بچه ها که با بومی گزینی موافق بود می گفت بین شهرستانی ها با ما تفاوت فکری و برخوردی وجود داره مثلاً برخورد با پسرها. است و از کجا معلوم وقتی از شهرستان می آید وابسته به کسی نشه و صدمه نبینه. یکی دیگه از بچه ها که خودش از مشهد گفت که اگر شرایط تحصیلی یکسان بود خوب می شد اما در رابطه با علل این قانون هدف این است که دختران در حصار خانه باشند و استقلال نداشته باشند و از همه مهمتر اینکه اعتقادات خرافی منطقه و نسل قبل به نسل جدید منتقل بشه و اونها رشدی نداشته باشند يك يل ديگه هم فعالیت سياسي در دانشگاه است که اگر بچه ها توي شهر خودشون باشن نمی تونن انجامش بدهند.

ادامه از صف ۴...

جمهوری ی ای ادعاهایی ی
 های جهانی ای استکبارستی ی
 ی ای جهانی .
 اکنون، ی هدفمند کردن یارانه ها که
 یکی های ی ای ی
 ی ای ماههای ی ی
 ظاهر خواهد . که ی ی ی
 ی ی ی ی ی ی ی ی
 ی ی ی ی بلکه ی ی ی ی
 ی ی ی به برخاسته ی ها
 ی ی ی ی ی ی ی ی
 سکوت کنی ی ی ی ی ی ی
 به ی ی چشمها ی ی ی ی
 پنهمه ی ی ی ی ی ی ی ی
 ی ی ی ی همکاران
 ی ی کنی آنها کنی به
 ی کسانی که ی ی ی ی ی ی ی ی
 ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
 ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
 مجهز ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی

جواب خودش این بود که در خانواده نتایج جنگیدن را دیده و شاهد بوده که همه چیز قابل تغییر است و او در برابر کوچکترین مسائل ایستادگی می کنه. یکی دیگه از بچه ها می گفت که به من خیلی فشار می آرن، باید جد تونم برم خونشون یا باهاشون برم بیرون، من بهشون گفتم که آگه قرار باشه من توي منگنه باشم هیچ جا نمی رم حتی دانشگاه، اما در جواب پدرم بهم می گه که پشتم می لرزه، یعنی به من اعتماد نداره و دست آخر همش به خاطر اون حس مالکیت است. منظورش این بود که جنگ بر اش نتیجه

یکی می گفت: پوشش من باید طوری باشه که امنیت و شخصیت من را تأمین کنه چرا من باید عرق بریزم و یه پسر با تی شرت خوشحال و خندان باشم. دیگری می گفت: من با بحث آبرو و خط و مرزهای جامعه موافق نیستم به نظرم هر کسی هر جور می دوست داره باید لباس بپوشه. طرز لباس پوشیدن انسانها نشان دهنده تفکر آنهاست و وقتی که به حجاب انسانها اجبار داده می شود نسبت به تفکر آنها دخالت حجاب بایستی لغو بشه چون فرهنگ و فکر افراد جامعه را باید تغییر داد.

یکی دیگه می گفت: جامعه باید به سمتی بره که به فردیت انسان و استقلال او اهمیت بدهد (فردیت که مدام توي جملات از اش استفاده می کرد به نظر من جایگاه مستقل زن، به عنوان نیمی از جامعه (حجاب يك مسئله شخصی است و به کسی ارتباط دلیل اینکه انسانها خیلی از مسائل خود را که به ... را پنهان می کنند بخاطر این است که جامعه ما در کوچکترین مسائل افراد دخالت دارد. یکی شون که ظاهر باحجابی داشت می گفت من قبلاً با حجاب نبودم اما الان فکر می کنم که دین محدودیت هایی را برایم ایجاد نموده که خیلی من رو اذیت می کنه.

سوال بعدی در رابطه با دستمزد نابرابر بود. از این موضوع بی اطلاع بودند و یکی شون فکر می کرد که شاید دلیلش این است که تأمین خانواده بیشتر بر عهده مردان است و مثلاً به خاطر حامله شدن زن ها مردان در اولویت استخدام می باشند. از لحاظ کارکرد هم ها احساساتی ترند و از نظر اون در کل جامعه (بی تأثیر نیست. تاکیدات از ماست)

یکی می گفت که علاوه بر تبعیض دستمزد در استخدام هم تبعیض وجود داره. می گفت من رشته الکترونیک رو دوست داشتم اما چون زنها رو در این رشته به عنوان نیروی کار نمی پذیرند اومدم رشته دیگری

در باره بومی گزینی پرسیدیم. یکی شون خیلی مخالف بود چونکه تجربه ی خودش این بود که اگر رتبه اش به تهران نمی خورد، برای همین نمی تونست که بره

پاکدامنی زن می دانند. اما اینها همه تنها یک معنا میدهد و مردان خواهان سلطه بر تمام امیال و خواسته ها و غرایز زنان چه قبل از ازدواج و چه بعد از آن هستند. این واژه ها بار معنای "زیبا تری" به این خواسته های مردان می دهند.

دختری که بنا به هر دلیلی پرده بکارت خود را از داده است مایه سر افکندگی و شرمساری و لکه ننگی در خانواده محسوب میشود. خیلی از خانواده ها قبل از اینکه مراحل قانونی برای ازدواج انجام شود، دختر را به پزشکی قانونی و یا دکتر زنان ببرند و گواهی سلامت بکارت بگیرند و آن را مفتخرانه به خانواده داماد تقدیم میکنند. وجود این بافت آنقدر مهم است که مرد میتواند قرار داد ازدواج خود را با دختری که به شرط بکارت ازدواج کرده بهم بزند و براحتی آن دختر را طلاق بدهد و قانون نیز از آن حمایت کند چون کالایی که مرد خریده است به آن شرط بوده و حال که خصوصیات آن کالا را ندارد



بکارت، خشونت پنهان

داد بهم زده میشود. بیشتر مراجع تقلید ایران وجود بکارت را شرط اصلی ازدواج نمی دانند ولی آنرا حسن کمال دختر میدانند و بهتر میدانند که وجود داشته باشد.

حتی در هنگام طلاق نیز بودن یا نبودن این پرده آنقدر مهم هست که تاثیر بر میزان مهریه دارد، دختری که باکره است در هنگام طلاق تنها نصف مهریه رامیگیرد و دختری که باکره نیست مهریه را کامل میگیرد.

اهمیت این موضوع در ایران و کشورهای مسلمان و سنتی باعث شده که عمل ترمیم پرده بکارت بوجود آید و با توجه به اینکه این عمل در کشورهای اروپایی انجام نمی شود هیچ اصول خاصی وجود ندارد. پزشکان براساس دانسته های شخصی این عمل را انجام می دهند و با توجه به شرایط و وقت در کار هزینه ها متفاوت است.

اما جامعه ای که زنان را اینچنین "پاک و دست می خواهد؟ مسلما جامعه ای که قوانین و مذهب و سد آن مردانه است هیچگاه به همجنسان خودش خیانت نمی کند و تمام محدودیت ها تنها برای زنان میخواهد. در همین خانواده هایی که اگر دخترها پرده بکارت نداشته باشند خوار و ذلیل میشوند رابطه جنسی پسرهای افتخار خانوادگی شناخته میشوند و هیچگاه گواهی سلامت بکارت پسران را به خانواده عروس تحویل نمی دهند و یا با همان اصطلاح عامیانه می گویند پسر که چیزی از دست نمی دهد تازه با تجربه تر هم برای زندگی مشترک می شود.

مسئله من و همجنسانم بودن یا نبودن این پرده نیست. مسئله این است که با سنت ها و قوانین مردسالارانه که حتی به خصوصی ترین حیطه های زندگی انسان ها

وقتی از دور نگاه کردم اولین چیزی که به چشمم اومد قرمزی توری بود که رو سرش بود این قرمزی سمبلی بود از اینکه تمام مهمانان بدانند نو عروس این خانه باکره است و این سمبل در خیلی از مناطق ایران استفاده میشود.

بکارت یکی از خشونت های پنهان علیه زنان است بارها دیده ام دخترانی که استرس بود و یا نبود بکارت را دارند و حتی برای زندگی آن دختر مهم ترین مسئله است و گاهی نبودش به قیمت نزیستن است. این مسئله را در کشورهای سنتی و در حال گذار از سنت مثل ایران بیشتر می توان دید. تاثیر سنت آنچنان در ایران قوی است که این مسئله را وارد قانون هم کرده است که در ادامه به آن اشاره میشود.

اما چرا بکارت برای دختران آری؟ وجود بکارت نشانه آن است که دختر قبل از ازدواج با مردی دیگر رابطه جنسی نداشته است و دست نخورده به مرد رسیده است. بکارت مبادله نمادین میان پدر و شوهر است که دختر از زیر سلطه پدر در آمده و به همسر رسیده است. حس مالکیتی که مرد با وجود این بافت، بر زن می تواند بدست آورد صدچندان لذت بخش از اولین تجربه رابطه جنسی با همین زن است زیرا توانسته انسانی را به مالکیت خود در آورد و بر بدنش سیطره یابد، به قول سیمون دوبوار: این خود رابطه نیست که مرد را هیجان زده میکند بلکه، این حس مالکیت است که مرد را ارضا میکند. بیشتر مردان ترجیح میدهند همسران آنها باکره باشند، این دست نخوردگی را نشانه اعتماد و عفت و

پسر بیشتر متمرکز شد تا آن‌ها دریابند زمان تعصبات کور و عقب مانده بسر آمده است.
مادری که همسر و پسرش را لو

به اتهام انحراف اخلاقی، پدر و پسر در زاهدان دختری را کشتند

۲۹ دی ۱۳۸۹ ساعت
روز حادثه من و پدرم که از انحراف اخلاقی فریبا آگاه شده بودیم، وی را مورد بازخواست قرار دادیم که در نهایت به اتهام خود معترف شد رییس پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان گفت: راز قتل دختر جوانی به اتهام انحراف اخلاقی به دست پدر و برادرش، در زاهدان فاش شد. به گزارش زاهدان پرس، سرهنگ 'محسن عطار' افزود: زن میانسالی با مراجعه به پلیس، پرده از راز جنایت قتل دختر جوانش به نام 'فریبا.ع' برداشت و دستگیری همسر و پسرش را خواستار شد. وی با تشریح این حادثه گفت: چند ماه قبل فریبا.ع به علت مشکوک فوت کرد و خانواده اش بدون طرح شکایت جسد وی را دفن کردند. او بیان کرد: پس از مدتی با طرح ادعای مادر متوفی مبنی بر اینکه دخترش به قتل رسیده، پرونده ای در این زمینه تشکیل و دستگیری قاتلان در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. بر پایه گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، عطار اظهار داشت: در تحقیقات انجام شده از پدر و برادر مقتوله به نام‌ها 'حمید و بهمن.ع' در خصوص چگونگی فوت و دفن وی، این دو نفر در نهایت لب به اعتراف گشودند. رییس پلیس آگاهی استان افزود: برادر مقتول در اعتراضات انحراف اخلاقی خواهرش را علت و انگیزه ارتکاب قتل عنوان کرد. وی به نقل از برادر مقتوله گفت: روز حادثه من و پدرم که از انحراف اخلاقی فریبا آگاه شده بودیم، وی را مورد بازخواست قرار دادیم که در نهایت به اتهام خود معترف شد. سرهنگ عطار افزود: برادر مقتوله اعتراف کرد، پدرم دو سیلی به صورت خواهرم زد و من نیز او را مورد ضرب و شتم قرار دادم که در این بین به علت ضربه شدید به سرش، دچار خونریزی شد و فوت کرد. وی اظهار داشت: پرونده این قتل به همراه متهمان برای رسیدگی به مراجع قانونی ارجاع

نیز وارد میشود مبارزه کنیم در برابر سنت هایی که انسانیت را به بند میکشند و اجازه میدهند انسان ها بر هم سیطره یابند بایستیم فرهنگ هایی که خواهان فرو دستی زنان است را نابود کنیم و بفهمانیم معیار کمال زن پرده بکارت نیست و حتی حسن هم محسوب نمی . آن را مانند دیگر بافت های بدن بدانیم و برای آن ارزشی قانونی و مذهبی قائل نشویم و نگذاریم سرنوشت زنان را این بافت رقم بزند.



دو خبر در یکروز در سایت ها

خبر اول

از سایت

<http://maymakoran.wordpress.com/>
/ / / /bibarg-

می مکران - پدری با همدستی پسرش، دخترش را بیرحمانه کشت. این قتل طبق معمول پس از یک دادگاه چند دقیقه ای خانوادگی انجام گرفته است. این جنایتی تکان دهنده است که ناشی از فرهنگ عقب مانده و تعصبات کوری است که حق انسان های دیگر برای زندگی بر طبق سلیقه شخصی خود را به رسمیت نمی شناسد. می بایست با این فرهنگ خشونت طلبانه مقابله کرد. این امر در کشوری که خشونت توسط حکومت ترویج و اجرا می شود کار بسیار دشواری است. اما باید به هر شکل با این فرهنگ خشن و قرون وسطائی جنگید. و در این راه باید روی جوانان

یکی از نمونه های این گونه کشتارها، قتل نوجوان
ساله، Memi Madineh ،

از سایت روشنگری

دی، خودکشی یک دانشجوی دختر به دلیل
مشکلات اجتماعی در دانشگاه کردستان

دانشجو نیوز: به گزارش سازمان دفاع از حقوق
بشر کردستان یک دانشجوی کرد دانشگاه

کردستان اقدام به خودکشی کرد.

ساعت ۲۳ جمعه شب ۲۴ دی ماه، در خوابگاه
دختران فرشته دانشگاه کردستان یک دختر
دانشجو کرد و اهل کرمانشاه به نام مریم حبیب
نیسا خود را به دار آویخت.

خودکشی این دانشجو به دلیل مشکلات روان
پریشی ناشی از محدود ساختن فضای حاکم بر
جامعه صورت گرفته است. این دختر جوان ۲۳
ساله قبلا نیز چند بار اقدام به خودکشی کرده بود
که خانواده و مسئولین دانشگاه نیز از این اقدام
وی در جریان بودند. خانواده وی امروز صبح
روز بعد (شنبه) جنازه وی را تحویل گرفتند.

گفتنی است که در دو سال اخیر آمار خودکشی
دانشجویان در ایران نگران کننده شده است.

در باب خشونت علیه زنان در ترکیه

Sevda Zenjanli_

بر اساس آمار،
دلایل ناموسی و مسائل دیگر توسط مردان به قتل
رسیده اند، زن مورد تجاوز قرار گرفته اند
زن به علت خشونت خانگی به
بیمارستان منتقل شدند. این شرایط ناگوار زنان
ترک را به طغیان دعوت میکند. اگرچه حکومت
ترکیه تا حدی سکولار است، زنان ترک هنوز
زندگی بسیار دشواری دارند. محافظه کاری
اسلامی، محدودیت ها علیه زنان و خشونت،
مشکلات بزرگ اینجا هستند. وحشتناکترین این
معضلات قتل ناموسی است که در تمام ترکیه
وجود دارد اما بیشتر در شهرهای کردی نشین
دیده میشود.

مدینه به خاطر دوستی با پسرها توسط خانواده
اش زنده به گور شد. پیکرش در چاله ای کنار
خانه شان پیدا شد. او سه بار تلاش کرد که به
پلیس گزارش دهد که توسط پدر و پدربزرگش
مورد ضرب و شتم قرار میگیرد، او بارها سعی
کرد به اداره ی پلیس پناه ببرد اما توسط آنها به
خانه بازگردانده شد!

مذکر دارد و ما از این بابت ناراحت هستیم." پدر
و پدربزرگش دستگیر شدند اما متهم نشدند.

زنان کرد زندانی سیاسی پول
جمع آوری کردند و در شهر او، حزب سیاسی
جنبش کرد، کتابخانه ای به اسم Madineh
Memi تاسیس کرد. مسلمانان قتلهای ناموسی و
خشونت علیه زنان تنها به مناطق کردنشین
محدود نمیشود. به عنوان مثال در تاریخ

اکتبر در شهر Kutahya که در نزدیکی
دریای اژه است زنی کارگر به نام "Halime
Oran" که تصمیم به جدایی از همسرش داشت و

برقراری مجدد صلح با او را نمیپذیرفت،
شوهرش کشته شد! این گونه حوادث نشان میدهد
که مساله ی زن تنها در گرو قوانین نیست.
حکومت فرهنگ و سیستم مردسالارانه به شدت
در جامعه ریشه دارد. هرچند زنان جوان و مدرن
ترکیه در تلاشند تا در سازمانهای فمینیستی و
جناح چپ در شهرهای بزرگ چون استانبول و
آنکارا سازمان یافته شوند، جامعه ی عمومی
هنوز نسبت به مسائل جنسیتی و حقوق زن و

افراد **LGBT**

homosexual, bisexual, transsexual

(al) آگاهند.

تنها راه حل برای چنین شرایطی، مبارزه ی
قدرتمندانه ی تمام زنان ترکیه علیه سیستم
محافظه کار، سرمایه دار و مردسالارانه است.



نفت

به جای " " روزنامه در دستش بود

ماییم و یک سفره خالی
با تیتتر روزنامه ای:

"نفت را بر سر سفره مردم می آوریم"

خانه همچنان خالی است
و خیال نفت که سیراب نمیکند
و حتی یخچال را هم روشن نمیکند
که هیچ هایش کپک نزنند

من تنم را برای یک لقمه نان

حراج کرده ام

روژین

فال من

کریه ترین موجود روی زمین را به زیباییش

میدهم سوگند

که تورا به خدایت بخر فقط یک فال از من

مادری را به جان فرزندش که گرسنه ام

از دنیا فقط می خواهم یک تکه نان و بس

نگاهی خریدار و سمج

مردکی می خرد همه فال ها را یکجا

به همراه صاحب فال و تن

! چه معامله ای گنبدیده ایست

!بوی تلخ مرد !

!صدای سخت شکست من

صبح باز هم با صدای بلند و چشمان پر

اشک

! داد می زوم فال می فروشم فال

حراج کرده ام تن

روژین

قابل توجه خوانندگان عصیان:
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را در باره
عصیان برای ما ارسال کنید.
لطفا مقالاتی که ارسال می کنید حداکثر
کلمه با فونت
عصیان در کوتاه نمودن مطالب آزاد است.
لطفا از ارسال مقالاتی که در سایتهای دیگر
ید.
عصیان متعلق به تمام زنان است.